

نظری بر اثر پژوهشی «تاریخ شفاهی زندگی و مبارزات آیت‌الله خام‌می»

مدیر انقلاب در اصفهان

■ **شاهد توحیدی**



عالم مجاهد و پراسب‌قّه زنده ییاد آیت‌الله حاج‌آقا‌حسین خام‌می اصفهانی، از پیشکسوتان مبارزات سیاسی در شهر اصفهان و بر عمل رهبر انقلاب در این شهر به شمار می‌رود. با این همه

و به رغم ایفای این نقش تاریخی، زندگی وی چندان مورد بازکاوی قرار نگرفته و درباره آن آثار چندانی تولید نشده‌است. پژوهشی که هم‌اینک در معرفی آن سخن می‌رود، در زمره معدود منابعی است که در این باره و توسط «مهدی مهر علیزاده» فراهم آمده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی نیز آن را منتشر ساخته است. مؤلف در دیابچه خویش بر این اثر چنین آورده است:

«پژوهش در تاریخ انقلاب اسلامی از ضروری‌ترین مباحث امروز در عرصه تحقیقات کشور است. شناسایی درست حوادث انقلاب و نقش شخصیت‌های محلی منطقه‌ای، کمک‌کنکار ناپذیری به شناخت عمق و ریشه‌های انقلاب اسلامی در میان مردم می‌کند. برای نیل به این مهم نخستین اصل الزام‌آوری که فرآوری محقق تاریخ قرار داشت، ضرورت ایجاد تغییر در روش تحقیق بود. استفاده از شیوه میدانی و قناعت نکردن به روش متداول کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از اسناد، انجام مصاحبه با افراد مؤثر در حوادث را اجتناب‌ناپذیر می‌نمایند. این امر موجب آشکار شدن سختی‌ها و مشکلات اساسی حین تحقیق شد. ضعف حافظه اغلب مصاحبه‌شوندگان به علت کهن‌ولت، مانع از پژوهش درست و سرعت در نائل شدن به نتایج می‌گردید. مشکل دیگر نقش ولسو کم‌رنگ خود یا دوستان و هم‌مسلمان خویش در شکل‌گیری حوادث نقل شده بود لذا برای شناخت صحیح زندگی و تلاش‌های آیت‌الله خام‌می باید دقت و وسواس بیشتری صرف می‌شد تا اظهار نظر‌ها منطقی و علمی باشد.

اینکه دیگری که شرح آن در این بخش ضروری به نظر می‌رسد، ارائه توضیحاتی پیرامون نگاه و دیدگاه



آیت‌الله حاج آقا محمد حسن خام‌می

محاکم محقق در فرآیند پژوهش است. از دیدگاه محقق، اسلام، اندیشه حاکم بر انقلاب اسلامی بوده و مهم‌ترین عامل سوق یافتن مردم به عرصه انقلاب و مبارزه نیز همین عامل است، لذا تلاش‌های آیت‌الله خام‌می و گروه پیرامونش همانگونه که ادعای ایشان نیز می‌باشد، در این راستا تحلیل شده است.

آخرین مطلب، شرح این نکته است که چرا محقق به شرح حیات سیاسی - اجتماعی آیت‌الله آقا حسین خام‌می پرداخته و روشن شدن آن را پی‌گرفته است؟در پاسخ به این سؤال، به ذکر مختصر عوامل ذیل اکتفا می‌شود:

آیت‌الله خام‌می، رهبری حوزه علمیه پراسب‌قّه اصفهان را در زمان شکل‌گیری رخدادهای انقلاب اسلامی به‌عهده داشته و این شهر در تعمیق اسلامیت انقلاب و فرهنگ‌سازی آن و صدور دستاوردهایش به اقصی نقاط کشور نقش شاخصی داشته است. شناخت تلاش‌های بنیاسی - اجتماعی آیت‌الله خام‌می با توجه به جایگاه و نقش ایشان در انقلاب اسلامی، کمک فراوانی به شناخت نقش مردم و عوامل استواری انقلاب اسلامی می‌نماید. تدوین تاریخ‌های محلی ونگاه علمی به جزئیات حوادث و پیریزها از کلی‌نگری‌های مرسوم، زمینه‌ساز به وجود آمدن تاریخ جامع انقلاب اسلامی خواهد شد. بر این اساس پژوهش پیرامون زندگینامه شخصیت‌های منطقه‌ای مؤثر در حوادث انقلاب همچون آیت‌الله خام‌می در شکل‌گیری تاریخ بزرگ انقلاب اسلامی تأثیرگذار است.

در خاتمه، عامل مهم و نگران‌کننده فوت و از دست رفتن فعالان نسل اولی و نسل دومی مؤثر در انقلاب

اسلامی در منطقه اصفهان و فراموش کردن تدریجی

رخدادهای انقلاب و ضرورت حفظ و ثبت آنها در

تدوین پژوهش فراو، تأثیر تام‌داشته‌است.

پژوهش پیش‌رو تلاش در روشن‌تر کردن حیات سیاسی، علمی و اجتماعی آیت‌الله سیدحسین خام‌می، مجتهد انقلابی و مورد وثوق امام خمینی است. خانواده آیت‌الله خام‌می نسل در نسل روحانی و از مرجان تشیع بودند که در مراکز شیعه‌شنسین ایران، عراق، سوریه و لبنان سابقه تبلیغ داشتند و ۲۸ واسطه، نسب به امام موسی کاظم(ع) می‌برند. دوران ۸۰ ساله زندگی این عالم ربانی در پژوهش حاضر، در سه بخش مورد بررسی قرار گرفته است. در نخستین بخش، احوال شخصی و علمی آیت‌الله از ۱۳۶۳-۱۳۸۰ ش شرح داده شده است، اما در اولین قدم در شناخت فعالیت‌های سیاسی آیت‌الله خام‌می، دیدگاه سیاسی ایشان مطرح شده و در مرحله بعدی اهداف آیت‌الله خام‌می از ورود به عرصه مبارزه با رژیم پهلوی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌است.»



به بهانه سالروز آغاز نخست‌وزیری امیر اسدالله علم

در کسوت یک دلال محبت!

■ **احمد شیرخانی**

روزهای اکنون، تداعی گر آغاز نخست‌وزیری اسدالله خان امیر قاینات معروف به اسدالله علم است. او از جنبه‌های گوناگون شخصیتی در‌خور مطالعه است، به ویژه از لحاظ یادداشت‌هایی که طی آن خلقیات خود وی و شاه را گزارش کرده است. در مقالی که پیش‌روی شماست به مدد خاطرات وی بخشی از مفاسد اخلاقی وی روایت شده است. امید آنکه تاریخ پژوهان و عموم علاقه‌مندان را مقنید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **محرک شاه در فساد اخلاقی بیشتر!**

مفاسد اخلاقی محمدرضا پهلوی و درباریان او موضوعی نیست که بتوان آن را انکار کرد، اما در این میان افرادی هم به اصطلاح آتش بیار معرکه بودند و به این فساد اخلاقی دامن می‌زدند. یکی از برجسته‌ترین افراد در این زمینه امیر اسدالله علم وزیر دربار شاه و امین او در این موارد بود. علم قبل از اینکه قدم به دربار بگذارد و در دورانی که هنوز در قاینات و بیرجند زندگی می‌کرد، به گفته خودش از ارتکاب اعمال غیراخلاقی ابایی نداشت، اما زمانی که قدم به دربار گذاشت، هم خودش را با هم به تهران بسط د بیشتری پیدا کرد و هم در تشویق شاه به اینگونه مسائل، لحظه‌ای دست از تلاش نکشید. او در زمره نخستین کسانی بود که با اشرف پهلوی رابطه برقرار کرد و به رغم تأهل، کمترین تعهد اخلاقی نسبت به همسر و خانواده‌اش نداشت. او در این زمینه به قدری افراط می‌کرد که یک بار ثریا همسر دوم شاه به او سبلی زد و وقتی علت را از او پرسیدند گفت که علم در تعدید مفاسد اخلاقی شاه تأثیر بسیار مهمی دارد.

■ **خلقیات علم در آئینه اسناد ساواک**

علم در دهه ۱۳۳۰ در تمام مجامع عمومی و خصوصی به عنوان فردی عیاش و بی‌پندوبار شناخته می‌شد و ساواک در گزارش یک دی ۱۳۳۶ درباره او نوشت:

«اوقات بیکاری را به عیاشی می‌گذراند. به زنان

علاقه فراوان دارد و اغلب شب‌بها با زنان، مجالس

عیش و نوش دارد. نقطه ضعف او زن است.»

مهم‌ترین منبع شناخت علم و تأثیر او در زندگی

شاه را می‌توان در خاطرات خودش جست‌وجو کرد.

او در خاطراتش در ۶مهر ۱۳۴۸ می‌نویسد:

«شاه را با دوستانم خوردم. خوش نگذشت. تماماً گریه کرد که وضع آینده‌ام نامعلوم است. من گفتم اگر روی زناشویی با من حساب می‌کنی باید به صراحت بگویم چنین کاری نمی‌توانم بکنم ولی مثل یک عضو خانواده من می‌توانی راجع به آینده حساب کنی!»

هوسرانی‌های شاه و علم به محدوده داخل کشور منحصر نمی‌شد، بلکه هر دو در کشورهای اروپایی از جمله فرانسه، ایتالیا، انگلستان و سوئیس نیز با زنان بدکاره و فاحشه رابطه داشتند. علم برای اینکه سوءظن همسرش را بیش از پیش برنیاگزید، برای سفرهای خارجی خود و ملاقات با زنان بدکاره، مستمسک‌هایی چون مأموریت سیاسی یا معالجات پزشکی و امثال اینها را جور می‌کرد. او در ۱۴ آبان ۱۳۵۲ در خاطراتش می‌نویسد: «امروز بعدازظهر به کیش برگشتم. معشوقه‌ام در اینجا به من ملحق شد و ساعات بسیار دلچسبی را گذراندم.»

علم در ۱۲ مرداد ۱۳۵۴ می‌نویسد: «مخفیانة به سوئیس رفتم تا چند روزی را با معشوقه‌ام خوش بگذرانم. بعداً در زوریخ به همسر م که با دندانپزشک قرار داشت ملحق شدم و با هم به تهران برگشتم.»

■ **مشتری روسپیان بین‌المللی**

در میان اسنادی که از علم به جا مانده، آدرس و مشخصات فاحشه‌های مختلف اروپایی از جمله لندن نوشته شده است. این اسناد نشان می‌دهند که او در شهرهای مختلف جهان دلالان ایرانی و خارجی برای پیدا کردن و معرفی زنان بدکاره داشته است. یکی از این دلال‌ها شاهپور بهرامی،

داشته‌ای بود که اسباب آشنایی و رابطه علم با زنی به نام اوسولا بود. یکی از زنان انگلیسی که با

علم رابطه داشت، از اینکه او با وجود همسر همچنان به ولنگاری‌های اخلاقی ادامه می‌داد، به شدت او را شماتت می‌کرد. در یکی از نامه‌های او به علم می‌خوانیم: «من نمی‌دانم چرا تو و آدم‌هایی مثل تو دوست دارند با هر دختری که دلشان می‌خواهد همستر شوند، اکثر مردان انگلیسی و اروپایی تنها به همسرانشان اکتفا می‌کنند، و رابطه نامی دانه همسر شما چگونه شما را تحمل می‌کند؟ اگر

مردی همسر نداشته باشد طبیعی است که برای ارضای خود دنبال جنس مخالف باشد ولی وقتی مردی دارای همسر زیبایی است چرا باید در پی

عاریخ

کفتد و گو ۸۸۴۹۸۴۳۷

اسدالله علم در لباس مراسم سلام دربار

د

هوسرانی‌های شاه و علم به محدوده داخل کشور منحصر نمی‌شد، بلکه هر دو در کشورهای اروپایی از جمله فرانسه، ایتالیا، انگلستان و سوئیس نیز با زنان بدکاره و فاحشه رابطه داشتند. علم برای اینکه سوءظن همسرش را بیش از پیش برنیاگزید، برای سفرهای خارجی خود و ملاقات با زنان بدکاره، مستمسک‌هایی چون مأموریت سیاسی یا معالجات پزشکی و امثال اینها را جور می‌کرد

همه خوشحالی بکنید. مخارج ختم را به فقیر بدهید. برای اینکه بابا بتواند بدون سرر خر به زندگی خود ادامه دهد، خود را از بین می‌برم. امیدوارم هر روز که می‌گذرد، بیشتر از زندگی خود لذت ببرد و کیف کند. من برای او دردرس بزرگی بودم.»

■ **شبکه‌ای برای شکار زنان مجرد و متاهل!**

البته فساد اخلاقی و ولنگاری‌های علم فقط به خودش منحصر نمی‌شد و او دیگران و به خصوص شاه را نیز در این مفاسد شریک می‌کرد. رابطه او و شاه فقط به مسائل سیاسی و اقتصادی و احتمالاً فرهنگی محدود نمی‌شد، بلکه بخش عمده رابطه این دو را مفاسد اخلاقی و ولنگاری‌های جنسی تشکیل می‌داد. علم از همان سال ۱۳۲۰ که قدم به دربار گذاشت، در زمره مهم‌ترین افرادی بود که برای هوسرانی‌های شاه، زنان زیبا را شکار می‌کرد و به تدریج به دلیل این خاصه خرجی‌ها به قدری به شاه نزدیک شد که مهم‌ترین واسطه شاه با زنان بدکاره ایرانی و خارجی بود و بارها خشمش ثریا، همسر شاه را برانگیخت. حسین فردوست هم در خاطرات خود از علم به عنوان مهم‌ترین و نزدیک‌ترین فرد به شاه در زمینه دلالی محبت و جور کن معشوقه‌ا داخل و خارجی کشور برای شاه یاد می‌کند که با همکاری اردشیر زاهدی این کار را انجام می‌دهد. فردین هویدا برادر امیرعباس هویدا با یکی از قربانیان علم ملاقات می‌کند و در خاطراتش می‌نویسد: «چند تن از همکارانم به من خبر دادند که اردشیر زاهدی و اسدالله علم مأمور ترتیب دادن مجالس خوشگذرانی برای ارباب خود هستند، ولی با این حال هنوز نمی‌توانستم مسئله را باور کنم تا آنکه در سال ۱۹۵۹ (۱۳۳۸ ش.) در نیویورک با یک زن امریکایی که چند سال در تهران زبان انگلیسی درس می‌داد ملاقات کردم و از او شنیدم که موقع اقامتش در تهران، یک شب علم او را برای شرکت در میهمانی به منزل خود دعوت کرد و در آنجا ضمن یک پذیرایی مفصل و احترام فراوانی که برایش قائل شد، او را به یک اتاق پذیرایی برد که هیچ کس در آن نبود. بلافاصله بعد از آنکه علم از اتاق بیرون رفت، در دیگری باز شد و شاه به درون آمد…»

علم برای اینکه بتواند به خوش خدمتی به شاه ادامه بدهد، در سال‌های بعد گروهی از دوستان و آشنایان خود را در ایران، اروپا و امریکا سازماندهی کرد. علی شهبازی با آنکه درجه نظامی بالایی نداشت، از جمله محافظان شخصی شاه و جزو باند علم بود. او درباره مأموریت این باند می‌نویسد: «باند علم کارشان این بود که خانم‌های شوهر دار و دختران بخت بر گشته یا همسران و دختران کسانی را که می‌خواستند مقامی بگیرند برای شاه بیاورند. عده‌ای مأموریت داشتند که در خارج از کشور هنگام مسافرت برای او قبلاً همه چیز را آماده کنند، البته در اکثر مسافرت‌ها اردشیر زاهدی حسین دانشور، سرهنگ جهان‌بینی و مصطفی نامدار (سفیر شاه در اتریش) عهده‌دار آوردن خانم‌های متعدد بودند. از همه فعال تر محمود خونساری بود که دختران دانشجوی ایرانی را می‌آورد. در مسافرت سوئیس دولو قاجار و خانم او مأمور این کار بودند. در مسافرت‌های داخلی، آقای امیرقاسمی از ساواک و هم‌رزق قریب و خسرو اکمل، داماد قریب‌یا شاه بودند و در تهران که هفته‌ای چهار روز این برنامه اجرا و انجام می‌شد. کامبیز آتابای و افسانه اوئسی (رام) و خانم آراسته که مستقیماً با افسانه اوئسی در دفتر علم کار می‌کردند و

سلیمانی، عباسی و حسین حاج فرجی مسئول پذیرایی بودند. این برنامه گاهی در کاخ شهوند انجام می‌شد که مسئول آن ابوالفتح آتابای و سلیمانی و جهان‌بینی مسئول تعیین ستار و محافظت بودند و برنامه دور کردن سربازان و مأموران را آنها طراحی و اجرا می‌کردند.» او در جای دیگر از خاطراتش می‌نویسد:

«سلیمانی اهل بیرجند و از نزدیکان اسدالله علم بود که به پشتیبانی او نماینده مردم بیرجند در مجلس شد. سپس از این شغل استعفا کرد و وارد دار و دسته علم در دربار گردید و بساط عیاشی و شهوترانی برای محمدرضا مهیا می‌کرد. عده زیادی در این باند فساد فعالیت می‌کردند، از جمله سیروس پرتوی که از اسرائیل خانم‌های زیبا می‌آورد که اینها در واقع جاسوسه‌هایی بودند. افسانه اوئسی که در تهران فعالیت می‌کرد، امیر متقی که در دانشگاه شیراز بود و کامبیز آتابای از انگلیس خانم می‌آورد، محمود خونساری در سطح اروپا فعالیت می‌کرد و مصطفی نامدار که در اتریش سفیر بود از آنجا خانم می‌فرستاد. حسین دانشور ، خانم دولو … هم بودند، اما سلیمانی وظیفه‌اش این بود که اینها را با هم هماهنگ کند. محل‌هایی که اسدالله علم برای عیاشی‌های شاه در نظر گرفته بود اینها بودند: منزل خودش، منزل ابوالفتح محوی در فرمانیه، کاخ شهوند، کاخ فرح آباد، خجیر، باغ ارم شیراز، منزل علم در بیرجند، جزیره کیش و باغ ملک‌آباد مشهد. به باند علم باید کسانی چون ایادی ، دکتر رام، محمود منصف، هرمز قریب و خسرو اکمل را نیز افزود.»

■ **روسپییانی که به نام کار فرهنگی و هنری به ایران می‌آمدند!**

یکی از شکارچیان باند علم در مورد شکار زنان خارجی که برای کارهای فرهنگی و هنری وارد

ایران می‌شدند، می‌نویسد:

«محرماً به عرض عالی می‌رساند در هر ماه تعدادی هنرمندان خارجی برای اجرای برنامه‌های هنری در کاباره‌های «باکارا» و «شکوفه‌نو» به کشور شاهنشاهی ایران مسافرت می‌نمایند که در بین آنها افرادی وجود دارند که قابل پذیرش و جالبند و می‌توان قبل از آنکه با ایرانی‌ها آشنا شوند با آنها تماس گرفت و ترتیب شرفیایی آنان را داد تا چنانچه مورد پسند قرار گیرند به هر نحو که امر و مقرر می‌فرمایند درباره‌شان عمل شود. به منظور رعایت اصول حفاظت و برای آن که افراد مورد نظر متوجه نشوند به حضور چه مقامی شرفیاب خواهند شد می‌توان به آنها اظهار داشت که ترتیب ملاقات آنان با یکی از معاونان وزارت دربار شاهنشاهی داده می‌شود تا هر گاه مورد پسند واقع نگردیدند، ملاقات یک امر عادی و طبیعی جلوه کند. درباره کسانی که مورد پسند قرار می‌گیرند، به هر نحو که اراده فرمایند عمل خواهد شد و هر گاه شایسته بدانند مطالبی که صلاح باشد به آنها گفته می‌شود با اجرای برنامه معروضه چنانچه با تأییداتی که خواهد شد احیاناً مطلبی را بازگو نمایند، انجام ملاقات با یکی از معاونان وزارت دربار شاهنشاهی که آن هم نام و شهرت و مشخصاتش معلوم نیست. در پیش هیچ کسی جلب توجهی نمی‌تواند بکند. اخذ هر گونه تصمیم بسته به نظر عالی است.» بنابراین یکی از وظایف و مأموریت اصلی اسدالله علم فراهم آوردن بساط عیش و نوش و شهوترانی محمدرضا شاه در سفر و حضر بود.

■ **این خوشگذرانی‌ها لازمه مملکت داری است!**

فرح از رابطه نزدیک علم با شاه و برنامه‌های خلاف اخلاق آنها آگاهی کامل داشت و به همین دلیل رفتارش با علم خصمانه بود. علم بارها در خاطراتش به این نکته اشاره می‌کند که شهبانو به او بدبین است. علم برای اینکه فرح کمتر موی دماغ شاه شود، به انجای مختلف سفرهای داخلی و خارجی برای او ترتیب می‌داد. غالباً هم سعی می‌کرد در سفرهای شاه او را همراهی کند تا بتواند اسباب عیاشی‌های شاه را برایش فراهم نماید. او در ۶ آبان ۱۳۵۲ در خاطراتش می‌نویسد: «شهبانو عازم سفری به شمال شرقی ایران شد و از شهرهای حاشیه کویر دین کرد. بعد رفتم میهمانی را که قرار است شاه امروز بعدازظهر ملاقات کند، بینم. به نظر امد دختری با خل وضع است یا درست و حسابی ماهی ده دوسر، شاید هم هر دو. به شاه هشدار دادم که مواظب باشد. سر شام مرا به کناری کشید و به من اطمینان داد که خیلی با احتیاط رفتار کرده است» و در جای دیگری می‌نویسد:

«با فساد رفتی من شام در پیشگاه شاه بودم. بسیار خوب بود. به ما خوش گذشت، میهمان خصوصی داشتم، خیلی شوخی کردم.»

توجهیات علم برای انجام این اعمال ضداخلاقی هم جالب است. گاهی که شاه به دنبال اعتراضات فرح به علم می‌گفت که دارند در این کار افراط می‌کنند و اعمال‌شان منطقی نیست، علم می‌گفت این خوشگذرانی‌ها لازمه مملکت داری است تا شاه بتواند ذهن خود را از فشارهای ناشی از انجام امور مملکتی رها کند و بهتر به اداره کشور بپردازد. او در خاطرات ۲خرداد ۱۳۵۱ می‌نویسد: «شاه گفت خود ما هم که اخر قدری خوشگذرانی می‌کنیم، عرض کردم شاهنشاه هر هفته یکی دو ساعت وقت به این کار می‌دهد، غیر از آن است که فکر و ذکر شما همین باشد، اگر این کار را نکنید با این فشار روحی تلف می‌شوید.»

■ **مصونیت قضایی برای روسپیان شاه و علم!**

معشوقه‌های علم و شاه علاوه بر برخورداری از امکانات رفاهی و اقتصادی فراوان، مصونیت قضایی هم داشتند و هر جرمی که مرتکب می‌شدند، پیگیری‌های دستگاه قضایی با نظامی کشور توسط وزیر دربار خنثی می‌شد. از جمله یکی از معشوقه‌های علم با عابر پیاده‌ای تصادف کرد و او را کشت. اما پیگیری‌های رئیس شهربانی برای مجازات او به جایی نرسید و به احترام تمام، توسط علم بدرقه شد! از دیگر شیوه‌های تدارک کار ازار و امکانات خوشگذرانی و عیاشی شاه توسط علم، واردات مشروبات گرانقیمت به خصوص از پاریس و مونت کارمو بود که مستقیماً از اروپا به آدرس وزیر دربار تهران پست می‌شد. شب‌نشینی‌های پر هزینه هم از جمله برنامه‌های تفریحی دربار بود. در بعضی از این میهمانی‌ها فقط دوستان نزدیک علم که اغلب آنها جزو همان باند شکار معروف بودند، دعوت می‌شدند. از جمله افسانه رام، سیروس پرتوی، امیر متقی، ابوالفتح آتابای، کامبیز آتابای، هرمز قریب، سلیمانی، سرهنگ جهان‌بینی، عباس حاج فرجی، حسین حاج فرجی، ابوالفتح محوی، خانم آراسته، اوئسی، نصیری و…

بعضی از میهمانی‌ها هم عموماً تیر بود و علم حتی گاهی رقبای سیاسی خود را دعوت می‌کرد، از جمله عبدالکریم ایادی، منوچهر اقبال، هویدا، حسن امامی، جعفر شریف امامی، اردشیر زاهدی، نصرت‌الله معینیان، ارتشبد خاتمی، فرح، اشرف، جمشید اعلم، هوشنگ دولو، فیلیکس آقابان، هوشنگ انصاری، پرویز ثابتی و نصیری.

مفاسد دربار و درباریان مثنوی هفتاد من کاغذ است که در این مختصر نمی‌گنجد.

اسدالله علم در کنار محمدرضا پهلوی در یکی از مراسم سلام دربار